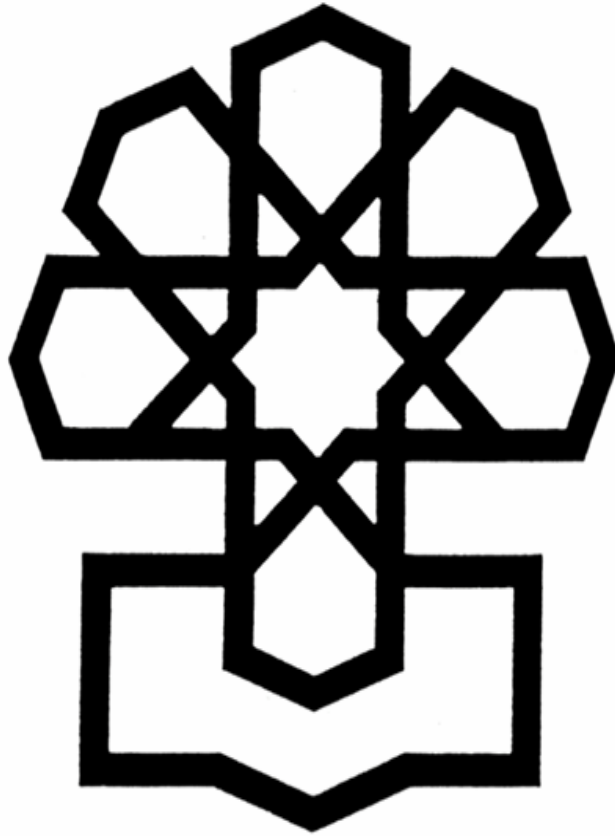
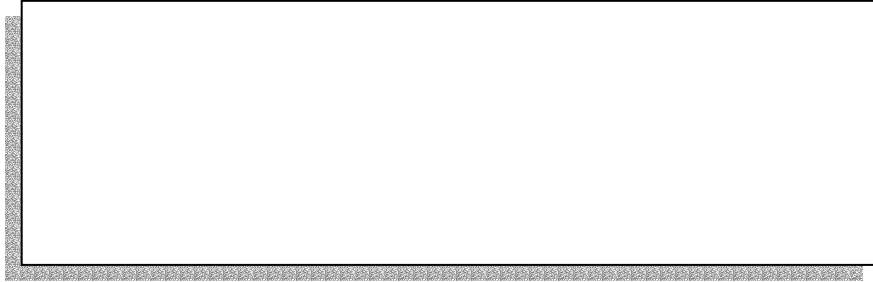




:
:
:

-
-
// :

:



:



:

معاونت پژوهشی
اسفندماه ۱۳۸۱

کار: دفتر مطالعات فرهنگی

:

| |
|--|
| |
|--|

| |
|--|
| |
|--|

:

| |
|--|
| |
|--|

:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

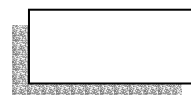
.....

.....

.....

.....

.....



طرح حاضر توسط کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه شده و جمعی از نمایندگان محترم به منظور حفظ و نگهداری مناسب آثار مکتوب کشور (پس از تغییراتی در شکل نوشتاری آن) در قالب طرح قانونی به مجلس شورای اسلامی ارائه کردند.^۱

تاکنون دو جلسه در کمیسیون فرهنگی در تاریخ‌های ۱۳۸۱/۹/۱۹ و ۱۳۸۱/۱۰/۸ با حضور کارشناسان نسخ خطی برای بررسی شور اول این طرح برگزار گردیده است. در جلسه دوم، پس از بیان آرای مخالف استادان و صاحب‌نظران با کلیات موضوع و ایجاد شائبه در مفید بودن طرح در حفظ آثار مکتوب کشور، موضوع برای بررسی بیشتر توسط کمیسیون فرهنگی به مرکز پژوهش‌های مجلس واگذار شد. در جدول زیر، اسامی کارشناسان و مسئولان مراکز نگهداری کتب و اسناد خطی (در بخش‌های دولتی و عمومی) که در خصوص طرح اظهار نظر کرده و از نظرات آن‌ها در تهیه گزارش استفاده شده، آورده شده است:

- اسامی کارشناسان و مسئولان:

| | / | | |
|----------------------------|---|-----------------------------------|--|
| آقای دکتر محیط طباطبایی | — | معاون آموزش و معرفی میراث فرهنگی | مصاحبه و حضور در کمیسیون |
| آقای دکتر خسروی | + | معاون کتابخانه ملی | مصاحبه |
| آقای امیرخانی | + | کارشناس کتابخانه ملی | مصاحبه |
| آقای ابهری | — | رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی | حضور در جلسه کمیسیون |
| آقای حائری | - | کارشناس نسخ خطی | حضور در جلسه کمیسیون |
| آقای کاشانی | - | سردبیر فصلنامه «نامه بهارستان» | مصاحبه و حضور در کمیسیون |
| آقای دکتر ایرج افشار | - | کارشناس نسخ خطی | مکتوب در نشریه (کتاب هفته، ۱۳۸۱/۱۰/۱۴) |
| آقای دکتر عبدا... انوار | — | کارشناس نسخ خطی | مکتوب در نشریه (کتاب هفته، ۱۳۸۱/۱۰/۱۴) |
| آقای دکتر سید علی آل داوود | - | کارشناس نسخ خطی | مکتوب در نشریه (کتاب هفته، ۱۳۸۱/۱۰/۱۴) |
| آقای فراستی | — | کارشناس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر | نامه مکتوب (پیوست ۱) |
| آقای دکتر دهقان | — | رئیس کتابخانه ملک (آستان قدس) | مصاحبه |
| خانم ثقه‌الاسلام | - | مدیر مجموعه موزه‌های کاخ گلستان | مصاحبه |
| خانم مصلا | - | معاون اموال سازمان میراث فرهنگی | مصاحبه |

۱. بیانات آقای دکتر شعر دوست، در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۸ کمیسیون فرهنگی.

:

کتب و اسناد خطی و نادر، گنجینه‌های تمدن کشورها هستند و حراست، نگهداری و حمایت از آنها از وظایف ملت‌هاست. این آثار که از دسته آثار فرهنگی ملی کشورها هستند، گویای گذشته تمدنی و بیان‌کننده وقایع تاریخی و فرهنگی کشورند.

به منظور ایجاد امکان به رسمیت شناختن مالکیت دارندگان این موارد گرانقدر و از بین بردن شرایط نامطلوب نگهداری یا پنهان‌سازی آنها و یا ارائه به بازارهای پنهانی و غیررسمی این آثار توسط مردم (دارندگان اصلی آثار) و نیز ایجاد امکان پیگیری برای صاحبان آثار به سرقت رفته یا مفقود شده، طرح حاضر تهیه گردید.

تملک کتب و اسناد خطی و نادر بلامانع است و صاحبان این آثار می‌توانند آنها را در داخل کشور خرید و فروش کنند.

لازم است این آثار در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به ثبت برسند و برای آنها شناسنامه تهیه شود.

در صورت توقیف دائم یا کوتاه‌مدت این آثار یا مصادره براساس رأی محاکم صالحه، آنان موظفند این آثار را به طور دائم به کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تحویل دهند.

آیین‌نامه لازم برای تعریف و ثبت آثار موضوع این قانون در مدت حداکثر سه ماه از سوی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

:

- (الف) قانون تعیین تکلیف کتب مصادره‌ای، مصوب ۱۳۶۳/۲/۳۱، (پیوست ۲)
(ب) قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۸/۲، (پیوست ۳)

ج) قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران، مصوب ۱۳۴۹/۲/۷، (پیوست ۴).

الف) قانون ثبت آثار ملی، مصوب ۱۳۵۲/۸/۱

ب) کنوانسیون اتخاذ تدابیر برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی

ج) کنوانسیون برای حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان

د) قانون حفظ آثار ملی، مصوب ۱۳۰۹

ه) نظامنامه اجرایی قانون ۱۳۰۹، مصوب ۱۳۱۱

و) بندهای ۶، ۸، ۹، ۱۳ و ۱۴ ماده ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی و تبصره آن

ز) آیین‌نامه اجرایی بند ۹ از ماده ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور، (مصوب هیأت وزیران).

ح) ماده ۵۶۱ و تبصره ماده ۵۶۸ قانون مجازات اسلامی.

توجه به قوانین فوق نشان می‌دهد هر چند کتب و اسناد خطی و نادر کشورها می‌توانند جزء آثار ملی (یا به تعبیری جزء آثار فرهنگی- تاریخی) کشورها قرار گیرند، ولی به سبب لحاظ نشدن این آثار به عنوان دسته‌ای از آثار ملی کشور در متن قوانین، صراحتی درخصوص آثار فرهنگی- تاریخی‌ای که دارای مالک خصوصی هستند، وجود ندارد. این عدم صراحت، اغلب سبب نگرانی صاحبان آثار در مواجهه با مجریان قانون و محاکم می‌شود.

:

در حال حاضر برخی از کتابخانه‌ها و مؤسسات کشور در بخش دولتی و عمومی دست‌اندرکار خرید، حفظ و نگهداری کتب و اسناد خطی و نادر هستند. از جمله آن‌ها می‌توان به مؤسسات و نهادهای زیر اشاره کرد:

- سازمان میراث فرهنگی
- مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی
- کتابخانه مجلس شورای اسلامی
- کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- سازمان اسناد ملی ایران
- کتابخانه‌های آستان قدس رضوی
- کتابخانه مرحوم آیت‌ا... مرعشی نجفی

- سازمان اسناد انقلاب اسلامی
- واحد آرشیو ریاست جمهوری
- مراکز متعدد دیگر.

علاوه بر این‌ها بخش اعظم کتب و اسناد خطی (که در واقع موردنظر این طرح هستند) در اختیار مجموعه داران، کتاب‌فروشی‌ها و برخی افراد حقیقی است.

اغلب مجموعه‌داران، افراد آشنا به موضوع هستند و به سبب علاقه فردی مقید به حفظ این دسته از آثار بوده، حتی گاهی اقدام به خرید آن‌ها در داخل و خارج کشور می‌کنند و مجموعه خود را کامل می‌سازند؛ اما آنچه سبب نگرانی است، امکان نابودی آثار یا خروج آن‌ها از کشور به دست افراد ناآگاه یا سودجو است. البته این نگرانی بین این دسته از آثار با دیگر آثار فرهنگی- تاریخی مشابه است.

وجود بازار غیررسمی، در کنار ابهام قانونی در تعیین تکلیف اموال فرهنگی- تاریخی دارای مالک خصوصی، وضعیتی را پیش آورده که صاحبان ناآگاه آثار را (به گمان این‌که داشتن کتب و اسناد خطی یا خرید و فروش آن‌ها جرم است) هراسان می‌کند و در نتیجه، آنان وادار به پنهان کردن آثار در شرایط نامناسب شده و یا به بازارهای نامطمئن موجود در کشور پناه ببرند.^۱

در مقابل، آن دسته از صاحبان آثار آگاه که می‌دانند خرید و فروش این آثار جرم نیست و نگهداری آن‌ها مشکل قانونی ندارد و حتی در صورت تمایل به فروش می‌توانند آثار خود را به برخی از کتابخانه‌های کشور بفروشند، به راحتی به این مکان‌ها رجوع می‌کنند؛ زیرا اغلب این مراکز و کتابخانه‌ها که به آن‌ها اشاره شد، در شرح وظایف خود وظیفه خرید یا نگهداری از این دسته آثار را پیش‌بینی کرده‌اند.

(

بنا به گفته برخی از کارشناسان دست اندر کار کتب و اسناد خطی^۲، در زمان مسئولیت ریاست محترم جمهوری به عنوان رئیس کتابخانه ملی، اقدام به تشکیل انجمنی به این نام شد. هدف این انجمن، شناسایی و ثبت آثار در اختیار مالکان خصوصی این نسخ بود که در ابتدا با تشویق آنان اقدام به جمع‌آوری نسخ ایشان شد، ولی به سبب این‌که اساساً ساماندهی به آثار فرهنگی و تاریخی به سبب گستردگی به صورت متمرکز ثمربخش نیست، این انجمن نیز بدون توجه به تبعات آینده این دسته فعالیت‌ها تشکیل شد، پس از دو سال انجمن با شکست مواجه و در نتیجه منحل شد.

۱. این بازارها نامطمئن هستند، چون نظارتی بر آن‌ها وجود ندارد و حتی کارشناسی و نرخگذاری در آن‌ها شکلی سیال و نابسامان دارد. از جمله به جمعه بازار کتاب‌های انتیک ناصر خسرو یا چهارراه استانبول می‌توان اشاره کرد (کتاب هفته، مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۴، ص ۱۷).

۲. از جمله آقای کاشانی سردبیر نشریه نامه بهارستان.

(

طی مصوبه نود و پنجمین جلسه شورای عالی اداری، به منظور مدیریت اسنادی کشور و ایجاد هماهنگی برای نگهداری آثار و اسناد مکتوب (چاپی و خطی) و غیرمکتوب و اوراق، مراسلات، دفاتر و سایر اسناد ملی در دستگاه‌های اجرایی و نظایر آن و تسهیل در نگهداری و دسترسی به اسناد و صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط و جلوگیری از انجام وظایف تکراری، سازمان اسناد ملی ایران با کلیه وظایف، اختیارات، امکانات، اعتبارات، نیروی انسانی، اموال، مدارک و تعهدات، از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور منتزع و در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ادغام شد.

به موجب این مصوبه، سازمان جدید، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نام دارد و براساس قانون اساسنامه کتابخانه ملی (مصوب ۱۳۶۹/۸/۲) اداره می‌شود.

همچنین شورای عالی اداری با انتقال مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، و واحد آرشیو ریاست جمهوری با کلیه وظایف و اختیارات، امکانات، اعتبارات، نیروی انسانی، اموال، مدارک اسناد و تعهدات از ۱۳۸۱/۷/۱ به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران «مشروط به اذن رهبر معظم انقلاب» موافقت کرد.

شاید بتوان گفت روح تمرکزگرای حاکم بر این مصوبه، زمینه‌ساز نگرانی بیش از پیش مسئولان کتابخانه‌ها و دستگاه‌های مرتبط با موضوع آثار مکتوب کشور در قبال پیشنهاد طرح حاضر شده است.

در این جا چند سؤال اساسی وجود دارد: اول این که با توجه به این که مقام رهبری با چنین اقدامی موافقت نکردند^۱ و مرحله دوم ادغام صورت نگرفت، آیا بازهم نیاز به ایجاد مکانی واحد برای جمع کردن یا ثبت آثار مکتوب وجود دارد؟

دیگر این که آیا ایجاد نظامی واحد برای ثبت یا خرید و فروش کتب و اسناد خطی، و الزام همگان به رعایت آن، کافی نیست؟

و بالاخره این که: اگر احتمال خروج آثار مکتوب از کشور یا تخریب آن‌ها در شرایط نامناسب وجود دارد، آیا با ثبت اجباری آثار توسط دولت مشکل مرتفع می‌شود؟ و آیا عملاً امکان چنین کاری وجود دارد؟

:

تا این جا اشاره شد که مطابق قوانین موجود، داشتن آثار مکتوب منع قانونی ندارد و مالکان در صورت تمایل نه تنها می‌توانند اقدام به ثبت کتاب یا سند خود در یکی از کتابخانه‌ها یا مؤسسات مذکور کنند، بلکه می‌توانند آثار خود را به آن‌ها بفروشند. در واقع بازارهای نامطمئن در صورتی فعال خواهند بود که صاحبان آثار، خود کارشناس نبوده یا از امکان فروش آثار به دولت مطلع نباشند.

در این جا با اشاره به نقاط قوت و ضعف طرح پیشنهادی، می‌توان به این نکته‌ها پرداخت که:

۱. اظهارات آقایان فراستی از مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر و کاشانی از نامه بهارستان.

۱. تصویب طرح حاضر کدام یک از مشکلات شناسایی شده در راه حفظ آثار مکتوب ملی را رفع می‌کند؟

۲. اگر طرح حاضر دارای تبعات منفی‌ای باشد، - یعنی نه تنها نیات طراحان را برآورده نسازد بلکه نتیجه‌ای عکس داشته باشد - آیا با تصویب شدن آن فرصت‌های بیشتری برای حفظ آثار مکتوب ملی ایجاد می‌گردد یا بر میزان تهدیدها افزوده می‌شود؟

(

نقاط قوت طرح عبارتند از:

- ثبت آثار مکتوب کشور و ایجاد امکان ردیابی آثار در صورت به سرقت رفتن یا مفقود شدن آن‌ها - این مورد در صورتی که طرح قابلیت اجرایی داشته باشد و ضمانت‌های اجرایی آن روشن گردد، امکان مناسبی برای کشور و هم مالکان آثار خواهد بود؛ یعنی مالک اثر به ثبت رسیده می‌تواند در صورت فقدان اثر خود به مراجع صالح رجوع و با اسناد ثبتی در اختیار خود، اقدام به ردیابی آن کند.
- به رسمیت شناختن مالکیت صاحبان آثار در متن قانون و اعلام امکان خرید و فروش آن‌ها در داخل کشور

- این مورد، یعنی اعلام بلامانع بودن داشتن آثار مکتوب و خرید و فروش آزاد آن‌ها در کشور، مطلب جدیدی نیست و مطابق قوانین موجود (مذکور در بخش اول) تاکنون مطرح بوده و مصوبه جدید فقط آن را تصریح کرده است.

- اعلام ممنوعیت خروج و فروش آثار به خارج از کشور

- این مورد، یعنی خروج آثار مکتوب مانند همه آثار فرهنگی - تاریخی دیگر، بدون اجازه وزارت ارشاد (سازمان میراث فرهنگی کشور) ممنوع بوده و به صراحت در نظامنامه اجرایی قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۱۱ بیان شده است.

(

۱. ماده ۱ طرح حاضر هر چند ابتدا مالکیت مردم را به رسمیت شناخته، ولی با بیان لزوم ثبت این آثار در کتابخانه ملی در ماده ۲، شرط به رسمیت شناختن مالکیت آثار را، در ثبت آن‌ها دانسته است. این مفهوم در

عنوان طرح پیشنهادی نیز با کاربرد کلمه «ثبت» قبل از کلمه «تملك» القا شده است. در واقع با استفاده از این سیاق در نگارش قانون، مالکیت عمومی زیر سؤال قرار گرفته است.^۱

۲. ماده ۱ خرید و فروش آثار مکتوب را در داخل کشور مجاز می‌داند؛ ولی تکلیف مواردی چون هبه، وقف، ارث و وصیت را که از وجوه رایج نقل و انتقال اموال هستند، روشن نکرده است.

۳. در ماده ۲ عبارت «لازم است»، بیانگر اجبار در ثبت آثار دارای مالک خصوصی است و روشن نشده که حد قانونی آن چیست و ضمانت اجرای آن کدام است؛ یعنی مجازات مالکی که نخواهد مال خود را به ثبت برساند، چیست؟

۴. ماده ۳ بیان می‌دارد در صورت توقیف دائم یا کوتاه‌مدت یا مصادره براساس رأی دادگاه، آثار به طور دائم به کتابخانه ملی تحویل می‌گردد. حال سؤال این است که در موارد توقیف موقت آثار (مانند موارد اختلاف بین افراد)، در صورتی که نسخه کتاب یا سند، ضبط موقت شود و به طور دائم به کتابخانه ملی تحویل گردد، پس از رفع اختلاف یا اتهام و صدور حکم رفع توقیف، تکلیف مالک چه خواهد بود؟^۲ آیا قبل از این که حکم دادگاه صادر شود، مالک باید مطمئن شود که به سبب دست‌اندازی دولت بر مال او بهتر است از خیر نسخه خود بگذرد؟ حال اگر مالک اثری بدهکار بود و در دادگاه دیگری محکوم شد و مجبور بود برای ادای دین خود نسخه در اختیار خود را بفروشد تا بدهی‌اش را بپردازد، چه باید بکند، در حالی که نسخه او قبلاً به نفع کتابخانه ملی مصادره شده است.

۵. ماده ۳ طرح حاضر با بند ۹ ماده ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور و آیین‌نامه اجرایی آن تعارض دارد.

۶. بین عنوان طرح پیشنهادی با متن ماده ۱ تفاوت وجود دارد، به نحوی که عنوان طرح «ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر» است؛ یعنی در میان کتب و اسناد خطی فقط آن دسته از نسخ را که «نادر» باشند، مدنظر قرار داده است. در صورتی که در متن ماده ۱ «تملك کتب و اسناد خطی و نادر» را بلامانع دانسته است؛ یعنی همه موارد کتب و اسناد خطی، اعم از نادر و غیر آن را موردنظر قرار داده است. در واقع اشتباه در کاربرد «واو عطف» در این دو جا، سبب شده عنوان طرح با متن ماده ۱ تعارض داشته باشد.

۷. نکته دیگر این که فهرست حاصل از ثبت این آثار، چگونه فهرستی خواهد بود؟ آیا در زمره فهرست‌های آثار ملی قرار می‌گیرد که حمایت قوانین مختلف (از جمله قانون حفظ آثار ملی، مجازات اسلامی و غیره) را دارا باشد؟ اگر ضرورت چنین امری به خوبی شناسایی شود، مسلماً جدا کردن این دسته از آثار از سایر آثار ملی مفید شناخته خواهد شد.

۱. بنا به اظهارنظر آقای دکتر خسروی از کتابخانه ملی، شاید بهتر بود عنوان طرح به عبارت «ثبت و تأیید تملک کتب و اسناد خطی» تغییر شکل می‌داد.

۲. آقای دکتر خسروی نیز که خود طراح اولیه طرح حاضر بوده‌اند اذعان داشتند و در سطر دوم ماده ۳ بهتر بود بعد از کلمه «دائم»، یا «موقت» افزوده شود تا کمی از شدت سخت‌گیری قانون کاسته شود.

۸. ماده ۳ طرح حاضر با قوانین موجود تعارض دارد؛ زیرا تنها پایگاه قانونی آن ماده ۳ اساسنامه کتابخانه ملی مصوب ۱۳۶۹ مجلس شورای اسلامی است؛ چرا که در این ماده وظیفه گردآوری، حفاظت، سازماندهی و ... آثار مکتوب به این کتابخانه واگذار شده است. در صورتی که قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی مصوب ۱۳۶۳، همین وظیفه را به این سازمان محول کرده است. شاید به نظر برسد به سبب تأخر زمانی در تصویب اساسنامه کتابخانه ملی، نسبت به تصویب اساسنامه سازمان میراث فرهنگی، خود به خود قانون اساسنامه کتابخانه ملی، اساسنامه آن سازمان را لغو کرده است؛^۱ ولی تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۷۵ مجدداً بر اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور تأکید کرده و آن را نافذ دانسته است.

ثبت آثار مکتوب و در اختیار بخش دولتی و عمومی (هر چند با مخالفت ایشان روبه‌رو شود) تأثیر زیادی بر اصل «نگهداری و حفاظت» این دسته از آثار نخواهد داشت؛ زیرا این آثار در هر جا که باشند، به نوعی ثبت و نگهداری می‌شوند و حداکثر اختلاف، در تفاوت نوع ثبت و روش‌های حفاظت و نگهداری از آن‌هاست.

ولی در تدوین چنین طرحی باید بازخوردها و تبعات ناشی از آن بر مردم که مشمول این قانون خواهند بود شناسایی شود؛ اگر وضعیت مالکیت آنان در قانون روشن نباشد نمی‌توان از همه انتظار داشت که از قانون تبعیت کنند.

بنا به اظهار نظر استادان و صاحب‌نظران کتب و نسخ خطی، توجه به سابقه تصویب قوانینی از این دست در دیگر کشورها (از جمله سوریه، شوروی سابق و عراق) می‌تواند دورنمای روشنی از تبعات تصویب این قانون نشان دهد. در کشورهایی که قانون ثبت اجباری نسخه‌های خطی تصویب شد، مردم اقدام به پنهان ساختن آثار خود کرده یا با نگهداری آن‌ها در شرایط نامناسب و یا با خارج کردن غیرقانونی آن‌ها از کشور به حفظ اموال خود مبادرت ورزیدند. در واقع این دسته قوانین اجباری، نتیجه عکس خواهند داد.

در حقیقت، مالک تمایل ندارد هیچ‌گونه محدودیتی را در ملک خود بپذیرد و چون در اذهان مردم ثبت دولتی اموال، ناقض مالکیت خصوصی آنان خواهد بود، لاجرم با طرح اولیه این پیشنهاد در مطبوعات، شاهد هراس کارشناسان از خطر پنهان‌سازی آثار توسط مردم و در نتیجه، وارد شدن صدمه بیش‌تر به آن‌ها بودیم؛ چنان‌که در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۴ مقاله‌ای از دکتر ایرج افشار (استاد مسلم این فن) با عنوان «

می‌خوانیم.

این هراس با بیان «تحویل دائم آثار توقیفی به کتابخانه ملی» (موضوع ماده ۳ طرح حاضر) شدت می‌گیرد؛ زیرا این ماده القای سوئی دارد؛ بدین ترتیب که افراد دارای کتب و اسناد خطی را مانند گذشته به

۱. اظهارات آقای دکتر خسروی.

دو دسته دوستدار اسناد و نسخ، و سوداگران سودجو تقسیم نمی‌کند؛ بلکه اگر دیروز فقط سارق یا قاچاقچی اسناد و کتب خطی مجرم شناخته می‌شدند و می‌باید مال آن‌ها توقیف می‌گردید، امروز هر کسی که اموال یا نسخ خود را به ثبت نرساند، در برابر قانون مجرم است و در محاکم امکان توقیف و مصادره نسخه‌های او هست.

- علاوه بر این مطابق ماده چهل و هفتم نظامنامه اجرای قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۱۱ هیأت وزیران، اگر شخصی اثر فرهنگی‌ای داشته باشد (از جمله کتب و اسناد خطی) و به سببی قصد داشته باشد آن را از کشور خارج کند، در صورتی که وزارت معارف (سازمان میراث فرهنگی کشور) تشخیص می‌دهد می‌تواند با پرداخت هزینه‌ای آن را از کشور خارج کند. مطابق ماده پنجاهم همین نظامنامه، اگر اثری مورد نظر ارزش ملی داشته باشد، دولت حق خرید آن را دارد، و در صورتی که مالک از فروش آن امتناع کند، دولت می‌تواند مانع خروج اثر شود. بنابراین، قانون به صراحت تکلیف مالک خصوصی را در مورد خروج شیء از کشور روشن کرده است.

البته در این مورد اشاره دارد که هر اثر در صورتی که به «ثبت فهرست آثار ملی رسیده باشد» باید مراحل فوق را طی کند؛ اما در عمل تهیه فهرست ثبتی از همه آثار منقول در اختیار مردم ممکن نیست. به همین سبب طی یک هماهنگی با گمرک جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه اجرایی مناسبی برای قانون صادرات و واردات بازرگانی تهیه شده است (پیوست ۵) که مطابق این آیین‌نامه، خروج همه آثار ملی منقول اعم از اشیای عتیقه با قدمت صد سال، آثار هنری (بدون قید زمانی) و مجموعه‌های اشیای وابسته به دیرینه‌شناسی، باستان‌شناسی و غیره تحت کنترل درآمده و منوط به اجازه دستگاه‌های مربوط شده است. بنابراین بدون اقدام به تدوین قانون جدید در این حوزه و فقط با افزودن موارد لازم به متن دستورالعمل اجرایی گمرک، کنترل خروج آثار در مرزها گسترده‌تر شده است.

در مواردی که فردی قانون‌گریز، بخواهد به نحو غیرقانونی از راه مرزهای رسمی یا غیررسمی اقدام به خروج آثار کند، در آن صورت جرم قاچاق اتفاق افتاده است. در این صورت، مطابق ماده ۵۶۸ قانونی مجازات اسلامی همه آثار توقیف شده به سازمان میراث فرهنگی کشور تحویل می‌گردد. بنابراین، طرح ماده ۳ که می‌خواهد موارد توقیفی نسخ را به کتابخانه ملی تحویل دهد، یعنی استثنایی در قوانین موجود ایجاد کند، لزوماً باید موارد مشمول قانون (موارد ناشی از توقیف دائم اموال حاصل از کسب غیرقانونی آثار) را معین و ضمانت اجرایی آن روشن کند.

آنچه در تدوین هر قانون باید مدنظر قرار گیرد، قابلیت اجرای آن است. در حال حاضر با توجه به الزامات حاصل از طرح پیشنهادی برای کتابخانه ملی و افزایش حجم مسئولیت‌های اجرایی آن در سطح کشور باید واحدهایی از این کتابخانه در همه استان‌ها و شهرستان‌ها ایجاد گردند، تا بتوانند مبادرت به انجام وظایف زیر کنند:

۱. شناسایی کتب و اسناد

۲. ثبت نسخه‌های در اختیار مردم

۳. ایجاد بازار خرید و فروش کتب و اسناد خطی

۴. کنترل بازار.

در حالی که رویکرد قانون برنامه سوم کوچک‌سازی دولت است، به این ترتیب با طرح پیشنهادی حاضر باید به توسعه تشکیلات کتابخانه ملی اقدام کرد. در غیر این صورت نمی‌توان توقع داشت که دارنده نسخه خطی در یک شهرستان برای ثبت یا حتی ارزشگذاری آن، خود با هزینه شخصی از روستا یا شهر محل سکونت خویش به تهران یا یکی از استان‌های همجوار (که شاید کتابخانه ملی در آن واحدی داشته باشد) مراجعه کند. زیرا احتمال دارد که نسخه او اصلاً ارزشمند تشخیص داده نشود و یا با قیمت دولتی کارشناسی شود و احتمالات متعدد دیگری از این دست که سبب می‌شود فرد از خیر ثبت نسخه خود بگذرد و آن را به هر دلال یا خریداری که سر راه او قرار گیرد بفروشد.

در واقع در جایی که کتابخانه ملی واحدهای استانی زیادی ندارد و توسعه ساختمان اصلی آن فقط در سطح تهران مدت‌ها طول می‌کشد، به نظر می‌رسد عملاً رویکرد تمرکزگرایانه این طرح پیشنهادی، قابلیت اجرایی نیابد و حتی در صورت اجرا عملاً دردی را درمان نکند.

حتی در مواردی که حکم به توقیف اثر داده می‌شود، به خصوص در شهرستان‌ها این سؤال وجود دارد که آیا کتابخانه ملی از این توان برخوردار است که همه موارد را از کل کشور جمع کند و به مرکز کشور انتقال دهد. شاید هم به سبب روشن نبودن متولی این نقل و انتقالات، با از بین بردن امکان تحویل آثار به میراث فرهنگی، سبب شویم موارد توقیف شده مدت زمان بیشتری در انبارهای داسراها بلا تکلیف بمانند و

:

در پیشگفتار، جدول اسامی استادان و صاحب‌نظرانی که درخصوص این طرح اعلام‌نظر کرده‌اند، مطرح و به اختصار به نظرات آنان در طول گزارش اشاره شده است. در این بخش به طور کامل‌تری نظرات و دلایل مخالفت آنان با طرح حاضر آورده شده است. این طرح که دارای اشکالات حقوقی و لفظی متعددی است و در عین حال با قوانین موجود و وظایف برخی دستگاه‌ها و مؤسسات در بخش دولتی و عمومی تعارض دارد، در بندهای ذیل مورد نقد قرار گرفته است:

و برخورد با آنان باید

بدون اعمال اجبار و الزام باشد؛ چرا که ایشان به سبب علاقه‌ای که به حفظ میراث مکتوب کشور خود دارند، حتی در مواردی اقدام به خرید این دسته از آثار از خارج کشور می‌کنند و با هزینه شخصی آن‌ها را به کشور برمی‌گردانند.

تنها در مواردی که به دلیل (فوت، ورشکستگی و ...) دارایی آنان به شخص دیگری انتقال پیدا کند، یا فردی که تک نسخه‌ای دارد و به هر دلیل نمی‌تواند آن را نگه دارد، میل به فروش این آثار پیدا می‌شود. در این موارد ممکن است آثار به دست دلالتان اموال فرهنگی بیفتد. پس باید راهی برای چنین مواردی اندیشیده شود و با تبلیغات مناسب به مردم آگاهی‌های لازم داده شود، به نحوی که بدانند بهترین امکان برای فروش آثار آنان (که منجر به بقای اثر در داخل کشور نیز خواهد شد) رجوع کردن به یکی از کتابخانه‌ها یا مؤسسات دولتی یا بخش عمومی و یا برخی کتاب‌فروشی‌ها (که دارای مجوز ویژه‌ای باشند) خواهد بود. در تمام این مراحل باید سعی شود اعتماد مردم جلب شده و به این عمل تشویق شوند. چنان که همواره کتابخانه‌ها و مؤسسات فعال در این امر، با تشویق مردم، موفق به جمع کردن یا ثبت آثار شده‌اند و اغلب موفقیت‌شان به حدی بوده که صاحبان آثار حتی اقدام به اهدای اثر خود به آن‌ها کرده‌اند.^۱

۲. باید پذیرفت که

و تنها

به دلیل عدم امکان دسترسی مناسب به بازارهای رسمی و روشن برای فروش یا مرمت آثار خود مجبور می‌شوند به دلالتان روی آورند. این مشکل، اغلب در روستاها و شهرستان‌ها (که این قبیل آثار در آن‌ها فراوان یافت می‌شود) در حدی است که حتی مردم از امکان فروش اثر خود به دولت آگاه نیستند. در نتیجه در دام دلالتانی می‌افتند که ایشان را از همکاری با دولت می‌ترسانند و می‌گویند اگر نسخه خود را به میراث فرهنگی یا دیگر مکان‌ها تحویل دهید، حتماً دولت آن را مصادره خواهد کرد.

پس ناآگاهی مردم، عدم اطلاع‌رسانی صحیح مسئولان و هراس مردم از برخورد دولت با آنان، عوامل اصلی توفیق دلالتانی است که بازارهای غیررسمی و کنترل نشده را در دست دارند و از میان مواردی که به دست‌شان می‌رسد، گزیده‌ترین را به خارج از کشور منتقل می‌کنند.

از سوی دیگر، کتابخانه‌ها و مؤسسات فعال در این امر اغلب، آثار را برای خرید به کارشناسان مجموعه خود می‌دهند و بعد از تعیین نرخ کارشناسی اثر، با قیمتی توافقی (نه قیمت واقعی) خانواده‌ها را راضی به فروش آثارشان می‌کنند (پیوست ۱).

۳. مشکل عمده در

است. اسناد یا

کتاب‌های خطی، مانند دیگر آثار فرهنگی منقول از درجات ارزشی متفاوتی برخوردارند و در میان آن‌ها موارد نادر ارزش بیش‌تری دارند. حال در جایی که توان مالی کتابخانه‌ها برای خرید نسخ کم باشد، آیا آثار نادر می‌تواند به راحتی در داخل کشور خریداری شود؟ چنان‌که بنا به اظهار مسئولان کتابخانه‌ها (کتابخانه مجلس شورای اسلامی^۲ و کتابخانه ملک^۳) دارندگان آثار نادر اغلب اصرار دارند که حتی با

۱. متن نامه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پیوست ۱.

۲. مصاحبه با آقای نادر مطلبی کاشانی.

۳. مصاحبه با آقای دکتر دهقان، رئیس کتابخانه ملک (آستان قدس رضوی).

قیمت کم‌تر، نسخه خود را در داخل کشور به یک کتابخانه معتبر بفروشند، ولی به سبب کمبود بودجه امکان خرید آن پیدا نمی‌شود.

آیا مشکل از مردم است که نیاز به فروش اموال خود پیدا می‌کنند یا مشکل از حمایت کم مسئولان نظام از این آثار است؟

طوری که ممکن است یک اثر چند برگی با یک شماره ثبت شود یا هر برگ آن شماره ثبتی مستقلی بگیرد و یا حتی هر صفحه آن شماره ثبتی بگیرد. بنابراین، بهترین روش برای ایجاد هماهنگی لزوماً ثبت توسط یک مرکز واحد نخواهد بود، بلکه می‌توان با ایجاد «نظام واحد ثبت» و ابلاغ آن به همه مراکز، مشکل را مرتفع کرد. در این ابلاغیه می‌توان لزوم ارسال نسخه‌ای از موارد ثبت شده را برای گردآوری آن‌ها در مرکزی واحد اعلام کرد.

لازم به ذکر است مقدمات چنین فعالیت‌هایی در بین کارشناسان و دستگاه‌های متولی مهیا شده است؛ چنان‌که مثلاً برای ارائه فهرست نسخه‌های خطی، اطلاع‌رسانی و دسترسی عموم محققان به اسناد و مدارک تاریخی، از دهه ۱۳۷۰ جلساتی به نام مهنا (مرکز هماهنگی نهادهای اسنادی کشور) برگزار شده و برگزاری این برگزاری این جلسات هنوز هم ادامه دارد. علاوه بر این، برخی از کتابخانه‌ها فهرستگان آثار خود را به طور مرتب چاپ و منتشر می‌کنند.^۱

۵. که به تبعات منفی حاصل از آن اشاره شد،

؛ البته آن‌هم معلوم نیست تا چه حد در اجرا موفق باشد؛ زیرا بخش‌های دولتی و عمومی با هرگونه اجباری در حد امکان مقابله خواهند کرد و عملاً طرح قانونی حاضر در مورد آن‌ها امکان اجرا پیدا نخواهد کرد.

توجه به عدم اجرای مصوبه شورای عالی اداری درخصوص ادغام مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و واحد آرشیو ریاست جمهوری با کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (پیوست ۶) نمونه‌ای از این نوع مشکلات است. اعلام مخالفت صریح مسئولان و کارشناسان شرکت کننده در «همایش اسناد و تاریخ معاصر» که مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات برگزار کرده بود (پیوست ۱)، هم نشانی دیگر از مشکلات پیش روی طرح حاضر است.

با توجه به اجماع آرای کارشناسان و مسئولان دست‌اندرکار کتب و اسناد خطی طرح قانونی حاضر نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد، بلکه بازارهای موجود را زیرزمینی‌تر خواهد ساخت و خروج آثار از کشور یا پنهان کردن آثار در اختیار مردم را سرعت خواهد بخشید. بنابراین با توجه به لزوم پیدا کردن

۱. مانند مجموعه کتب گنجینه‌های دست‌نویس‌های اسلامی در ایران، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مجموعه کتب گنجینه کتابخانه ملی و ...

روش‌هایی برای ممانعت از صدمات به این دسته از آثار ملی کشور باید در پی یافتن بهترین راهکارهای قابل اجرا بود.

:

اصلاح وضعیت آثار مکتوب، اگر با نگاهی جامع در کنار دیگر آثار فرهنگی - تاریخی مورد دقت قرار گیرد، یقیناً کم‌تر دچار تناقضات و تعارضات با دیگر قوانین و یا وظایف دستگاه‌های اجرایی در بخش دولتی و عمومی خواهد شد. علاوه بر این، مشکلات موجود در حفاظت از این آثار، مشکلاتی هستند که انواع آثار فرهنگی با آن مواجه هستند و لزوماً یافتن راه رفع این مشکلات می‌تواند تجربه مفیدی برای حل مشکلات مشابه در حفظ و نگهداری دیگر آثار ملی کشور باشد.

در این‌جا متناسب با مشکلات شمارش شده در بخش‌های مختلف این گزارش پیشنهاد‌های زیر برای ایجاد امکان حمایت و حفاظت مناسب از آثار فرهنگی - تاریخی، از جمله کتب و اسناد خطی، طرح می‌گردد:

۱. برای جلوگیری از تفاوت در روش‌های ثبت آثار مکتوب و ایجاد امکان اطلاع‌رسانی مناسب در مورد آثار ثبت شده در بخش‌های مختلف کشور به همه دست‌اندرکاران و دست‌اندرکاران کتب و نسخ خطی، می‌توان نظام هماهنگ ثبت آثار فرهنگی را با همکاری استادان و صاحب‌نظران، تعریف و تدوین و به کلیه دستگاه‌های دست‌اندرکار (در امروز و آینده) ابلاغ کرد. این نظام می‌تواند به‌گونه‌ای تدوین شود که اولاً ناقض حق مالکیت مردم نباشد و ثانیاً هر مؤسسه‌ای مکلف باشد نسخه‌ای از مشخصات ثبت شده هر اثر را به کتابخانه ملی ارسال کند.

۲. برای فراهم آوردن امکان اطلاع‌رسانی همگانی، ایجاد سایت اطلاع‌رسانی معرفی آثار توسط کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مفید خواهد بود. مسلماً هر یک از مجموعه‌داران و کتابخانه‌های دست‌اندرکار در صورت تمایل می‌توانند به این سایت مرتبط شوند.

۳. به منظور تشویق مردم برای ثبت آثار فرهنگی و ایجاد فرهنگ توجه به حفاظت و نگهداری از آثار فرهنگی در درون مرزهای کشور، باید از روش‌های تبلیغی زیر استفاده کرد:

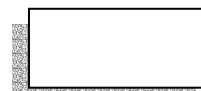
- آگاه کردن مردم از قوانین موجود و قوانینی که در آینده تدوین خواهند شد، به منظور از بین بردن امکان سوء استفاده دلالان از ناآگاهی مردم
- آگاه کردن مردم از امکان مرمت مجانی آثارشان به عنوان یک امتیاز برای هر کس که مایل به ثبت اثر خود باشد..

- آگاهی دادن به مردم در مورد امکان ثبت اثر آنان به نام خانواده‌های‌شان
- آگاهی دادن به مردم از امکان برخورداری از حمایت‌های قانونی در حفاظت از آثار در اختیارشان، در مواقع سرقت یا مفقود شدن، در صورت ثبت اثر توسط مراجع ذی‌صلاح.

۴. به منظور مقابله با بازارهای غیررسمی و نامطمئن و جلوگیری از خروج آثار از کشور توسط برخی باند‌های فعال در این بازارها و نیز جلب حمایت مردم برای نگهداری آثار در درون مرزهای کشور می‌توان از روش‌های زیر استفاده شود:

- دادن اجازه تأسیس آزمایشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقی توسط کتابخانه ملی برای مطالعه، مرمت و ثبت آثار، با هزینه مالکان آثار
- دادن اجازه تأسیس مؤسسات خصوصی قیمت‌گذاری و خرید و فروش نسخ، توسط کتابخانه ملی (تحت نظر این کتابخانه)، یعنی تشکیل بازار قانونی قابل نظارت
- افزایش ردیف‌های بودجه خرید نسخ خطی در کتابخانه‌ها و مؤسسات دست‌اندرکار در بخش دولتی و عمومی.

۵. به منظور ایجاد امکان رجوع مردم به مراکز فعال در زمینه ثبت، مرمت، خرید و فروش و دیگر خدمات مرتبط، در سطح استان‌ها، شهرها و بخش‌ها می‌توان از حمایت دستگاه‌هایی مانند وزارت ارشاد که در منطقه شعبه دارند، استفاده کرد. این شعب به نمایندگی از سوی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان مراکز ناظر بر چگونگی ارائه خدمات به مردم، توسط مؤسسات فعال بخش دولتی، عمومی یا خصوصی، خواهند بود.

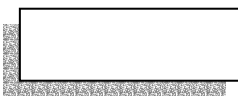


طرح حاضر بدون دقت به مجموعه قوانین موجود در خصوص حفاظت و نگهداری از آثار ملی، تدوین شده است و به سبب لزوم انجام عملیات متمرکز و افزایش تشکیلات کتابخانه ملی قابلیت اجرایی ندارد. علاوه بر این طرح حاضر به سبب بیان الزام و اجبار در ثبت آثار دارای مالک خصوصی و نیز تأکید بر لزوم واگذاری دائم هر آنچه توسط محاکم توقیف (حتی توقیف موقت) می‌شوند به کتابخانه ملی، سبب نگرانی دارندگان آثار و پنهان کردن نسخه‌ها یا خروج ناگزیر آن‌ها از کشور خواهد شد.

بدین لحاظ و همت عالی خود را برای رفع مشکلات این دسته از آثار، متوجه بازبینی قانون حفظ آثار ملی^۱ که متضمن موارد ذیل خواهد بود، کند. این موارد عبارتند از:

۱. شناسایی همه انواع آثار فرهنگی
۲. تعیین وظایف دولت در حفظ و نگهداری آثار
۳. تعیین وظایف مردم در حفظ و نگهداری آثار و همکاری با دولت
۴. تعیین حدود حق مالکیت مردم و دولت
۵. تعیین چگونگی نظارت دولت بر اموال مردم در عین حفظ حق مالکیت آنان.

۱. لازم به ذکر است متناسب با درخواست کمیسیون فرهنگی، از اردیبهشت سال ۱۳۸۱، کاربازبینی قانون حفظ آثار ملی، با روش جلب همکاری کارشناسی همه دستگاه‌های مرتبط با موضوع و مطالعه قوانین کشورهای جهان، در دست انجام است.



طرح ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر پیشنهاد کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران است که توسط برخی از نمایندگان محترم به کمیسیون فرهنگی ارائه شده است.

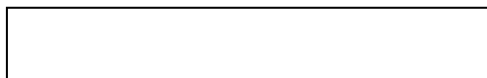
این طرح به منظور ایجاد امکان به رسمیت شناختن مالکیت دارندگان این آثار و از بین بردن شرایط نامطلوب نگهداری، پنهان‌سازی یا ارائه آن‌ها به بازارهای غیر رسمی و پنهانی، و نیز ایجاد امکان پیگیری برای صاحبان آثار به سرقت رفته یا مفقود شده، تهیه گردید.



مطابق با قوانین داخلی و کنوانسیون‌های مربوطه، کتب و اسناد خطی جزء آثار فرهنگی ملی کشور محسوب می‌گردند و مالکیت این آثار هیچ‌گونه منع قانونی ندارد و خرید و فروش آن‌ها در داخل کشور بلا مانع است. در صورت تمایل به خارج کردن آثار توسط مالکین آن‌ها سازمان میراث فرهنگی به نمایندگی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند مجوز خروج صادر کند. در صورتی که خروج آن‌ها بدون اخذ مجوز از آن سازمان باشد، جزء موارد قاچاق آثار فرهنگی محسوب شده و مطابق فصل ۹ از قانون مجازات اسلامی (مانند دیگر آثار فرهنگی) آن‌ها توقیف شده و به سازمان میراث فرهنگی تحویل داده می‌شوند.



در حال حاضر بسیاری از کتابخانه‌ها در بخش دولتی (سازمان میراث فرهنگی، کتابخانه ملی، کتابخانه‌های دانشگاه‌ها) و بخش عمومی (بنیاد مستضعفان، آستان قدس رضوی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و ...) اقدام به شناسایی، خرید، ثبت، مرمت و نگهداری این دسته از آثار می‌کنند، و برخی مجموعه داران خصوصی که از دسته کارشناسان و علاقه‌مندان این آثار هستند نیز با آن‌ها مرتبط هستند. از سوی دیگر بخش عظیمی از این آثار که اکثر آن‌ها ناشناخته و ثبت نشده هستند در دست مردم هستند که نگرانی طرح معطوف به آن‌ها است، و باید دید آیا این طرح می‌تواند ساماندهی‌ای در وضعیت آن‌ها کند.



این طرح در آن است که قانونگذار مالکیت و خرید و فروش آثار را به صراحت به رسمیت می‌شناسد، ولی نقاط ضعف متعدد آن این قوت را تحت الشعاع قرار می‌دهد. برخی از

یا مشکلات طرح عبارتند از:

۱. طرح فقط مالکیت اثری را به رسمیت می‌شناسد که آن اثر قبلاً ثبت دولتی شده باشد، و معین نشده اگر کسی اقدام به ثبت نکند آیا مجرم است؟ اگر هست مجازات او چیست؟
۲. در ماده ۲ اجبار در ثبت وجود دارد که مالکان آثار را نگران کرده است، و قابلیت اجرای طرح را زیر سؤال برده است؟
۳. ماده ۳ توقیف دائم یا کوتاه مدت آثار (به هر دلیل و در هر محکمه‌ای) را با مصادره آن‌ها و تحویل دائم آن‌ها به کتابخانه ملی یکسان کرده است.

۴. اجرای این طرح لزوم افزایش تشکیلات، اختیارات، نیروی انسانی و بودجه برای کتابخانه ملی را سبب می‌شود که این امر با روح برنامه سوم مخالف است.

۵. این طرح با قوانین موجود کشور تعارض داشته و عملاً راه فعالیت را بر کلیه دست اندرکاران (که به آن‌ها اشاره شد) خواهد بست.

۶. ثبت اجباری فقط در مورد مردم قابلیت اجرا دارد و دستگاه‌های متولی، در حد امکان، از آن تبعیت نخواهند کرد. (همچنان که مصوبه شورای عالی اداری (پیوست ۶) کامل اجرا نشد.

۷. این طرح بازارهای موجود را فعال‌تر می‌کند که روشن نیست چه کسی متولی آن خواهد بود و چگونه نظارت خواهند شد؟

همه اساتید و صاحبزنان، با این طرح مخالفت کرده‌اند زیرا برخورد اجباری با مقوله‌ها و افراد فرهنگی را اساساً مناسب نمی‌دانند، و معتقد هستند که ایجاد اجبار و تصویب این طرح خود به خود سبب می‌شود که پنهان کردن آثار در اختیار مردم و فروش آن‌ها به دلالت، سرعت بیشتری بیابد.

۱. ایجاد نظام ثبت واحد به همت کتابخانه ملی.

۲. ایجاد سایت‌های اطلاع‌رسانی آثار مکتوب در کشور به همت کتابخانه ملی.

۳. اطلاع‌رسانی عمومی و تبلیغات در مورد قوانین موجود و تشویق ایشان به ثبت آثارشان با دادن امتیازهایی از قبیل: دادن اختیار نگهداری در نزد خودشان، مرمت مجانی آثار، ثبت آثار به نام خانواده‌هایشان و ...

۴. ایجاد بازارهای رسمی با دادن اجازه تأسیس آزمایشگاه‌ها و مراکز تحقیقی، مؤسسات خصوصی قیمتگذاری، خرید و فروش (در داخل کشور)، مرمت و ثبت آثار مکتوب تحت نظارت کتابخانه ملی.

۵. افزایش ردیف‌های بودجه خرید آثار مکتوب به کتابخانه‌ها و مؤسسات دست اندرکار در بخش عمومی و دولتی.

۱. با توجه به قوانین موجود، نیازی به قانونگذاری جدید نیست و ایجاد اصلاحات در وضعیت موجود آثار مکتوب کشور همه از دسته روش‌های اجرایی هستند که نیازی به قانونگذاری در مجلس ندارند.

۲. با توجه به درخواست قبلی کمیسیون فرهنگی (در اردیبهشت ۱۳۸۱) از مرکز پژوهش‌ها مبنی بر بازبینی قانون حفظ آثار ملی کشور، و اقدام این مرکز به انجام مطالعه (با استفاده از همکاری کارشناسی دستگاه‌های مرتبط و مطالعه قوانین کشورهای جهان) مناسب خواهد بود اصلاحات قانونی مورد نیاز برای کلیه آثار فرهنگی ملی کشور به طور یکسان در مجموعه‌ای واحد صورت گیرد؛ که این کار در حال انجام است.



:

: ثبت و تملک کتب و اسناد خطی نادر

: لیلا زرشکن عابد، نسیم خطیبی

: مطالعات فرهنگی

: محمد نژاد

: دفتر فرهنگی

:

۱. کتب و اسناد خطی (Manuscripts)

۲. آثار فرهنگی - تاریخی (Cultural heritage)

:

۱. صمدی، یونس، مجموعه قوانین و مقررات و آیین نامه‌ها، بخش نامه‌ها و معاهدات میراث

فرهنگی کشور، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶.

۲. قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران - لوح قانون.

۳. قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران - لوح قانون.